

## بررسی سبکی گزارش «وقایع گلکنده» بر اساس نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران

دکتر محمد حکیم آذر

استادیار دانش‌گاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد

احسان شاهرخی

دانش‌جوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانش‌گاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد

### چکیده

کتاب **وقایع گلکنده** (روزنامه‌ی ایام محاصره‌ی حیدر آباد) است که توسط میرزا محمد نعمت‌خان عالی شیرازی، در دربار اورنگ‌زیب در هند نوشته شده است. این کتاب آمیزه‌ای از نظم و نثر است و نویسندگان در آن به شرح وقایع جنگی که بین سپاهیان اورنگ‌زیب و شخصی به نام ابوالحسن روی داده و چگونگی تسخیر حیدر آباد و قلعه‌ی گلکنده پرداخته است. نثر کتاب نثر فارسی آمیخته با عربی و لغات و اصطلاحات ترکی و مغولی است؛ از خصوصیات بارز نثر کتاب وجود آیاتی است که در خلال متن و متناسب با موضوع آورده شده است. اگرچه قصد نویسندگان در این تألیف همان‌گونه که خود نیز در چند جا به آن اشاره می‌کند آن بوده است که به شرح جنگ و ثبت حوادث بپردازد، ولی در بعضی مواقع گریزهای زده و به بیان احوال لشکریان، آرا و عقایدشان، ابزار جنگی که در اختیار دارند و وضع معیشتی مردم پرداخته است.

آنچه به شیرینی و حلاوت متن کتاب می‌افزاید طنز بودن نعمت‌خان است که در کنار آگاهی وی از علوم آن عصر از قبیل نجوم، موسیقی، طب، کلام و حتی آشپزی منجر به آفرینش مضامینی ناب و دل‌کش می‌شود. قسمت‌های که به صورت نظم در این کتاب آورده شده به جز تعدادی از تک بیت‌ها، سروده‌ی نعمت‌خان است و اگر چه در برخی مواقع به واسطه‌ی تسلط وی به فن عربیت و مضامین قرآنی فهم این اشعار کمی مشکل می‌شود ولی در کل با اشعاری روبه‌رو هستیم که نمونه‌ی بارز سبک هندی هستند و اکثر این قطعات نظم در عین این که بیان‌گر اتفاقات و اثرات جنگ هستند، دارای جنبه‌ی آموزشی در حوزه‌ی علومی مانند لغت و عروض نیز می‌باشند که همین خصیصه باعث شده که تا مدت‌ها این کتاب را در مدارس به عنوان منبع آموزشی مورد استفاده قرار دهند.

**واژگان کلیدی:** تاریخ نویسی، وقایع نگاری، هند، سبک هندی، نسخه‌ی خطی، اورنگ‌زیب، وقایع گلکنده.

## ۱- مقدمه

بررسی ویژگی‌های سبکی کتابی که اهل هند به فارسی نوشته باشند مطمئناً به تفاوت‌های فارسی هندیان با فارسی ایرانیان راهی روشن می‌گشاید و نشان می‌دهد که اهل هند چه نسبتی با زبان فارسی داشته‌اند. ورود لغات و اصطلاحات محلی به گویش‌های گوناگون هندی و در آمیختن آن‌ها با فارسی شاید اولین بارقه‌های پدید آوردن زبانی نو باشد که بعدها «اردو» نام گرفت.

در زمینه‌ی مطالعات سبکی و نقد و بررسی وقایع گلکنده هیچ اثری تا کنون به چاپ نرسیده است و این تحقیق برای اولین بار صورت می‌گیرد. تعدد نسخه‌های خطی این کتاب نشان می‌دهد که در هندوستان مورد توجه بوده ولی در ایران کسی توجه چندانی به آن نکرده است در این تحقیق می‌کوشیم که مختصات زبان نویسنده را بکاویم و به تفاوت‌ها و امتیازات آن با فارسی معاصر آن در عصر صفوی راهی بجوییم.

روش تحقیق در این مقاله مطالعه‌ی کتابخانه‌ای است و بر اساس منابع ممتاز سبک‌شناسی و نقد ادبی به بررسی این کتاب پرداخته‌ایم.

در ممالک شرقی به ویژه ایران؛ شیوه‌های گوناگونی از تاریخ نگاری وجود دارد. تاریخ سلسله‌های پادشاهی، تاریخ ادیان، تاریخ تمدن و تاریخ وقایع نگاشتی از این جمله‌اند. وقایع نگاری بیش‌تر بر اساس روی داده‌های شکل می‌گیرد که در یک برهه‌ی زمانی خاص اتفاق می‌افتد. تاریخ نگاران به روایت روی داده‌های از قبیل جنگ، قحطی و خشک‌سالی بیش‌تر علاقه نشان داده و سعی کرده‌اند که به جای بیان وقایع مهم تاریخی بر اساس زمان و مکان بیش‌تر به ذکر جزئیات و حالات و رفتار مردم در آن روی داد خاص بپردازند. بیش‌تر شناخت ما از تاریخ گذشته‌ی ممالکی چون ایران و نهادهای فرهنگی و اجتماعی آن به مطالعات باستان‌شناسان و خوانش کتیبه‌ها و قیاسات و استدلال‌های این گروه از دانش‌مندان اختصاص دارد. در دوران‌های بعدی نظیر عصر اسلامی به خاطر اهتمام حکام مسلمان و علاقه‌ی ایشان به تثبیت نام و کردار خود در تاریخ، روی کرد به نگارش کتاب‌های تاریخی زیاد شد؛ کما این که اولین نمونه‌های نثر فارسی زمینه‌های تاریخی دارند. کتاب‌های نظیر تاریخ بلعمی، تاریخ سیستان، تاریخ طبری و تاریخ بیهقی به‌ترین نمونه‌های این مدعا هستند.

منشأ اصلی تاریخ‌نگاری مسلمانان و مهم‌ترین عامل الهام‌بخش مورخان برای تحقیق و تدوین تاریخ، قرآن و سنت بود که مورخ را بر می‌انگیخت تا راه‌های تعلیل تاریخی را از آموزه‌های اسلام — که میان عمل دینی و دنیوی تفاوتی قائل نیست — فراگیرد. اسلام به تاریخ چنان نگریسته است که گویی پدیده‌های تاریخی و اعمال و اندیشه‌های بشر در طول تاریخ بر یک بستر می‌لغزد.

## ۲- بحث و بررسی

### ۲-۱- زمینه‌های ایرانی - هندی تاریخ‌نگاری:

توجه فارسی‌زبانان به تاریخ‌نگاری قابل انکار نیست. رشد متون تاریخی مخصوصاً بعد از هجوم مغولان و گسترش رشته‌ی تاریخ‌نویسی، از دانش‌مندان بزرگی چون خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و عطاملک جوینی استادانی صاحب سبک در تاریخ‌نگاری ساخت. این امر استمرار یافت تا این‌که ایرانیان به سفر هند تمایل زیادی نشان دادند و تکنیک‌های تاریخ‌نگاری ایرانی تاریخ‌نویسی را که با خود به آن جا بردند؛ با شیوه‌های بومی مردمان شبه قاره در آمیختند.

از قرن نهم هجری به بعد، به واسطه‌ی نفوذ فارسی‌زبانان در سرزمین هند و به دست گرفتن مشاغل دیوانی و درباری، زبان و ادبیات فارسی رواج چشم‌گیری یافت و کتاب‌های زیادی در این دوره به زبان فارسی نوشته شد و به همین دلیل فرهنگ و زبان فارسی در این عصر درخشان‌ترین ادوار تاریخ برون مرزی خود را تجربه کرد. در این عصر به واسطه‌ی حمایت حکام و وزرای ایرانی تبار دربار هند، عده‌ی زیادی از علما و ادبای ایران ره‌سپار دیار هند شدند و تألیفات زیادی در علوم مختلف از جمله تاریخ به ثبت رسید. تاریخ فرشته تألیف محمد قاسم فرشته که در ۱۰۳۰ ه. ق نوشته شد با تأکید فراوانی که در سره‌نویسی فارسی داشت نه تنها یکی از منابع مهم تاریخ پادشاهان هند، بلکه یکی از اولین نمونه‌های توجه به سره‌نویسی در تاریخ فرهنگ ایرانی است.

«آن‌چه می‌توان به عنوان ویژگی غالب تاریخ‌نویسی در این دوره از آن یاد کرد این است که مورخان این دوره بیش از آن‌که به اوضاع اجتماعی، فرهنگی و مذهبی توجه داشته باشند، غالباً به شرح تاریخ سیاسی اکتفا کرده‌اند. از این‌رو اکثر مورخان روی داده‌های

سیاسی و خاصه شرح جنگ‌ها، روابط دیپلماتیک حکومت‌ها، کیفیت جلوس پادشاه جدید و وضعیت دربار و درباریان را در تألیفات خود ذکر کرده‌اند.» (صادقی علوی، ۱۳۸۸: ۹۴)

زمینه‌های ظهور شعر سبک هندی و نثر ایرانی\_هندی نیز از همین دوران پدید آمد. به علت استقبال دربار ادب‌پرور هند از شاعران پارسی‌گوی، و هم‌چنین به علت وجود شرایط خاص اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، گروهی از گویندگان به هندوستان رفتند و در آن‌جا به شعر و نقد شعر و ترویج زبان فارسی پرداختند. اینان به واسطه‌ی دوری از مرکز زبان و به خاطر تمایل به اظهار قدرت در بیان مفاهیم دقیق، حس نوجوی، نکته‌پردازی، تفنن و به سبب تأثیر زبان و فرهنگ هندی و دیگر عوامل محیطی، سبکی به وجود آوردند که سبک هندی نامیده می‌شود. برخی از ادبا این سبک را سبک اصفهانی نیز نامیده‌اند. این سبک تقریباً از قرن نهم تا سیزدهم هجری ادامه داشت و از ویژگی‌های آن، تعبیرات و تشبیهات و کنایات ظریف و دقیق و باریک و ترکیبات و معانی پیچیده و دشوار را می‌توان نام برد.

## ۲-۱-۱- تاریخ ادبی یا ادبیات تاریخی:

عظمت نثر فنی و علاقه‌ی مفرط نویسندگان فارسی‌زبان به تکلف در نثر تاریخی باعث شد که متون تاریخی مهم فارسی، پیش از آن که امتیاز تاریخ نگاری داشته باشند، ویژگی‌های ادبی بیابند. کتاب‌های نظیر **تاریخ جهان‌گشای جوینی**، **تاریخ و صّاف الحضرة شیرازی** و **دُرّهی نادره**، هنوز هم پیش از آن که متن تاریخی به شمار بیایند، به عنوان متن ادبی مورد توجه هستند. شیوه‌های فاضل‌مابانه در نگارش متون تاریخی اصل تاریخ را تحت‌الشعاع خود قرار داده و آن را با همه‌ی اهمیتی که دارد به کنار رانده است. این را اگر یک بیماری ندانیم، بی‌تردید باید یک روش التقاطی از ادبیات و تاریخ بپنداریم که می‌توان آن را ادبیات تاریخی دانست. کتاب **وقایع گلکنده** یکی از متونی است که در قرن دوازدهم هجری در هند نگاشته شده و از این شیوه پیروی مفرط کرده است.

## ۲-۲- وقایع گلکنده و نویسنده‌ی آن:

کتاب **وقایع گلکنده** اثر میرزا محمد نعمت‌خان عالی شیرازی وقایع‌نگار و منشی دربار اورنگ‌زیب است. این اثر مشتمل بر شرح وقایعی است که در زمان سلطنت اورنگ‌زیب و مقارن با حمله‌ی سپاه وی به شهر حیدرآباد و محاصره‌ی قلعه‌ی گلکنده نگاشته شده

است. کتاب **وقایع گلکنده** نثر آمیخته به نظم است و همان‌طور که گفته شد تاریخ در این کتاب تحت‌الشعاع ادبیات قرار گرفته است.

میرزا محمد نعمت‌خان عالی شیرازی معروف به مقرب‌خان و دانش‌مندخان فرزند حکیم فتح‌الدین از خاندان اطبای شیراز است. وی در هند متولد شد و در کودکی به شیراز رفت و پس از تحصیل مجدداً به هند عزیمت کرد. سپس به دربار اورنگ‌زیب عالم‌گیر راه پیدا کرد و خطاب "نعمت‌خانی" گرفت و به منصب وقایع‌نگاری مشغول شد. (ر.ک. انوشه، حسن: ۱۳۸۰) علی‌قلی‌خان واله داغستانی در این باره می‌نویسد: «فاضلی خوب تحریر و سخنوری خوش تقریر بوده. اصلاً از اطبای شیراز است و نشو و نما در هند یافته، در خدمت عالم‌گیر پادشاه ملازم و به منصب بکاوولی<sup>(۱)</sup> سرافراز بوده و در زمان بهادر شاه به خطاب دانش‌مند خانی ممتاز گردید.» (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۵۱۱)

نعمت‌خان عالی در علوم رایج آن روزگار مانند عربیت، منطق، فلسفه، حکمت و طب مهارت داشته و تألیفات متعددی به نظم و نثر دارد که بنا به تأکید اکثر تذکره‌نویسان کیفیت نثر او از اهمیت بالایی برخوردار است؛ هرچند نثر او را در کتاب **وقایع گلکنده** نمی‌توان نثری ممتاز و قابل اعتنا دانست؛ ولی از نظر شعر جزو شاعران ممتاز فارسی‌گوی هند به شمار می‌رود. «بر روی هم نعمت‌خان عالی، هم به سبب خرده‌گیری‌های هجو مانند نسبت به بعضی از معاصران و هم به واسطه‌ی خوش‌ذوقی و نازک‌طبعی در تألیفاتش زیاد مورد توجه و آثارش از جمله سرمشق‌های نویسندگی در میان فارسی‌نویسان هند نشین بوده است.» (صفا، ج ۵، ۱۷۹۰: ۱۳۶۹) در تذکره‌های گوناگون از نعمت‌خان عالی تألیفات متعددی را نام بردند که عناوین آن‌ها به شرح زیرند:

دیوان شعر، رقعات که بیشتر مکتوبات عرفانی است، رساله‌ی **حسن و عشق**، **خوان نعمت**، **راحه القلوب**، **وقایع حیدرآباد (گلکنده)**، **تاریخ فتوح عالم‌گیر پادشاه**، **شاهنامه‌ی شاه عالم بهادر شاه**، **مثنوی سخن عالی**، **نعت عظمی و هجو حکما**. (ر.ک: همان)

کتاب **وقایع گلکنده** در ذکر روی‌داده‌های محاصره‌ی حیدرآباد و گشودن آن، در ماه رجب و شعبان ۱۰۹۸ ق. / ۱۶۸۷ م. که در سی‌امین سال پادشاهی اورنگ‌زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸ ق.) رخ داد نوشته شده است. از کتاب **وقایع گلکنده** نسخه‌های متعددی موجود است که در کتابخانه‌های معتبر ایران نگاه‌داری می‌شوند. این نسخه‌ها عبارتند از:

- ۱) نسخه‌ی خطی کتاب‌خانه‌ی مجلس شورای اسلامی به شماره‌ی دست‌یابی ۱۳۹۵۸، این نسخه، متنی است با خط خوش دارای ترقیمه و رکابه و حواشی که در سال ۱۱۴۵ ه. ق به خط نستعلیق نگاشته شده و کاتب آن محمد عبدالحمید است. (پیوست ۱)
- ۲) نسخه‌ی کتاب‌خانه‌ی مرکزی دانش‌گاه تهران با شماره‌ی دست‌یابی ۷۷۷۱، با خطی خوش و ترقیمه و رکابه. این نسخه را شخصی به نام سید ابوالحسن در سال ۱۲۵۳ ه. ق کتابت کرده است. (پیوست ۲)
- ۳) نسخه‌ی خطی کتاب‌خانه‌ی مرکزی دانش‌گاه تهران با شماره‌ی دست‌یابی ۹۷۸۱، خط این نسخه بسیار مغشوش بوده و تقریباً قابل خواندن نیست این کتاب دارای رکابه و ترقیمه است و نگارش آن به سال ۱۲۵۵ ه. ق برمی‌گردد. نام کاتب این نسخه مخدوش شده و قابل خواندن نیست. (پیوست ۳)
- ۴) نسخه‌ی خطی مضبوط در کتاب‌خانه‌ی مرکزی دانش‌گاه تهران با شماره‌ی دست‌یابی ۵۳۵۱، که قسمتی است از یک جنگ؛ این نسخه دارای خطی بسیار خوش بدون حواشی و رکابه و ترقیمه است که به همین علت تاریخ نگارش و نام نگارنده‌ی آن مشخص نیست.
- ۵) نسخه‌ی خطی سازمان اسناد و کتاب‌خانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران با شماره‌ی دست‌یابی ۵/۱۵۵۶۸ دارای رکابه و ترقیمه و با خط نستعلیق نگاشته شده این نسخه در سال ۱۲۸۰ ه. ق به قلم سید عبدالکریم طباطبایی کتابت شده است. (پیوست ۴)
- ۶) نسخه‌ی خطی سازمان اسناد و کتاب‌خانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران با شماره‌ی دست‌یابی ۵/۰۷۴۰۸ کیفیت خط این نسخه بسیار پایین و غیر قابل استفاده است. این نسخه دارای رکابه و ترقیمه است؛ کتابت آن در سال ۱۲۵۳ ه. ق رخ داده و نام کاتب آن از قلم افتاده است.
- ۷) نسخه‌ی خطی مضبوط در کتاب‌خانه‌ی ملی ملک این نسخه بدون ترقیمه است و از سال نگارش و کاتب اثر اطلاعاتی در دست نیست.
- ۸) نسخه‌ی چاپ سنگی منتشره در کتاب‌خانه‌ی دیجیتال کتب چاپ سنگی بیاض، این نسخه دارای رکابه و ترقیمه است. این رساله به کوشش میرزا حمزه‌خان مازندرانی در هند چاپ شده است و به نظر می‌رسد نسخه‌ای که ملاک چاپ آن بوده در سال ۱۱۴۵ هجری قمری کتابت شده است.

## ۲-۳- اهمیت کتاب:

این کتاب علی‌رغم این‌که در نگاه اول یک اثر تاریخی است و بیش‌تر به ذکر وقایع و روی‌دادهای محاصره‌ی حیدرآباد در سی‌امین سال پادشاهی اورنگ‌زیب می‌پردازد، به واسطه‌ی شیوه‌ی نگارش و اشارات مؤلف به زمینه‌های علوم مختلف از اهمیت ادبی و علمی برخوردار است. در سرتاسر این کتاب کارکردهای زبان مصنوع (و در عین حال بیمار) ادبی به وفور به چشم می‌خورد و نگرش مؤلف به مسائل اطراف در این اثر بیش‌تر جنبه‌ی ادبی دارد تا جنبه‌ی تاریخی. اگرچه کتاب وقایع حیدرآباد از نظر غنای تاریخی در ردیف کتب تاریخی معتبر قرار نمی‌گیرد ولی با این‌همه نمی‌توان به‌طور کل اهمیت آن را نادیده گرفت زیرا نه تنها به بیان مسائل تاریخی برهه‌ای خاص در شبه‌قاره‌ی هند می‌پردازد بلکه اطلاعات گسترده‌ای را در مورد فرمان‌روایان و درباریان و چگونگی روی‌داد وقایع به دست می‌دهد. شیوه‌ی نگارش کتاب و همچنین نگرش مؤلف نسبت به روی‌دادهای که در پیرامون وی رخ می‌دهند کمک‌شایانی به درک اوضاع اجتماعی و فرهنگی آن زمان دربار هند و همچنین مردم آن سرزمین می‌کند. تأکید نگارنده‌ی اثر بر بیان حالات و رفتار مردم و همچنین آداب و رسوم رایج در آن زمان و گفت‌وگوهای که بین افراد رخ می‌دهد بازتابی از اوضاع اجتماعی آن عصر و بیان‌گر روابط اجتماعی عمیق بین ایران و هند و تأثیر متقابل فرهنگ ایرانی و هندی بر یک‌دیگر است.

## ۲-۴- برجسته‌ترین ویژگی‌های کتاب:

از آن‌جایی که این اثر جزء تألیفاتی است که در سده‌ی یازدهم هجری و در دوره‌ی رونق سبک هندی نگاشته شده‌اند؛ از ویژگی‌های سبکی آن دوره پیروی می‌کند. این کتاب را باید در زمره‌ی تألیفات دربار هند و با توجه به موضوع اثر، نمونه‌ی بارز سبک نگارش پارسی‌گویان هندوستان دانست و از این حیث می‌توان به اهمیت نقد این اثر با روی‌کرد به مؤلفه‌های سبک‌شناختی پی‌برد. ترتیب تاریخی متن این کتاب بر اساس اتفاقاتی است که در طی محاصره‌ی قلعه حیدرآباد<sup>(۳)</sup> از چهاردهم رجب سال سی‌ام پادشاهی اورنگ‌زیب تا شب بیست و پنجم شعبان همان سال رخ داده است. محاصره‌ی قلعه، بر اثر لجاجت اورنگ‌زیب و ناتوانی امرای قطب‌شاهی در استمرار مقاومتشان، سرانجام به تسلیم آن انجامید و با سقوط قلعه‌ی گلکنده نظام حکومتی قطب‌شاهیان دکن نیز به پایان رسید. با سلطه‌ی اورنگ‌زیب بر این شهر سامان جدیدی از سوی این پادشاه گورکانی برقرار شد و تا

تصرف مجدد قلعه در سال ۱۷۲۴م. / ۱۱۳۶ه. ق از سوی نظام الملک آصف‌جاه<sup>(۳)</sup> بنیان‌گذار سلسله‌ی نظام شاهیان دکن، در اختیار اسلاف اورنگ‌زیب بود.

نعمت‌خان در نگارش این گزارش، سخن را با توضیحی شاعرانه در مورد زمان آغاز فتح قلعه شروع می‌کند و سپس به شرح ماجرا می‌پردازد. بخش بندی کتاب از نظر زمانی به صورت زیر است:

- ۱- وقایع تاریخ چهاردهم شهر رجب المرجب سنه‌ی ۳۰
- ۲- وقایع تاریخ پانزدهم شهر رجب المرجب سنه‌ی ۳۰
- ۳- وقایع شب چهاردهم شعبان المعظم سنه‌ی ۳۰
- ۴- وقایع تاریخ نوزدهم شعبان المعظم سنه‌ی ۳۰ جلوس معلی
- ۵- وقایع تاریخ بیست و دوم شهر شعبان المعظم سنه‌ی ۳۰
- ۶- وقایع تاریخ بیست و پنجم شهر شعبان المعظم سنه‌ی ۳۰

در این کتاب میل مفرط نعمت‌خان به تحریر گزارشی متکلف و شاهانه آن‌گونه که درخور شأن و شوکت پادشاهی چون اورنگ‌زیب باشد به وفور به چشم می‌خورد. آن‌چه **وقایع گلکنده** را از بسیاری جهات جالب توجه می‌کند، این است که نثر آمیخته به نظم این کتاب بیش از آن‌که جنبه‌ی گزارشی داشته باشد، جنبه‌ی ادبی دارد. می‌دانیم که نگارش گزارش‌های تاریخی به قصد ثبت وقایع مهم دوران‌های مختلف در طول زمان است ولی از این حیث **گزارش وقایع گلکنده** به هدف خود دست نیافته، خاصه که با انقراض نظام شاهیان دکن و نفوذ زبان انگلیسی در هند، زبان فارسی به کنار رانده شد و جز در میان طبقاتی خاص از ادیبان و اشراف هوادار نیافت. نثر مصنوع این کتاب غرض اصلی نویسندگان را برآورده نکرده و آن را بیش‌تر به یک جُنگ ادبی تبدیل کرده است. فارسی زبانان امروزی هم در خواندن و فهم **گزارش وقایع گلکنده** دچار اشکال و اختلالند چه رسد به غیرفارسی زبانان. علت اساسی این موضوع ناتوانی نویسندگان در رسوخ به ظرافت‌ها و زیبایی‌های زبان فارسی است. زبانی که او در این کتاب استفاده می‌کند فارسی دست‌دومی است که در دربار هند و در میان ادیبان آن سامان رواج داشته است و بدون شک با زبان سرزمین اصلی، یعنی ایران، از حیث کیفیت فاصله زیادی دارد.

## ۲-۴-۱- ملاحظات ساختاری:

اسلوب متون آموزشی فارسی زبانان هند و مخصوصاً کتاب **وقایع گلکنده** شباهت



زیادی به اسلوب ابونصر فراهی صاحب کتاب **نصاب الصبیان** دارد. ابونصر بدرالدین مسعود بن ابی‌بکر فراهی (ف. ۷۴۰ ه. ق) شاعر و لغت‌نامه‌نویس ایرانی در شهر فراه متولد شد، و گفته می‌شود که کور مادرزاد بود. اثر معروف او **نصاب الصبیان**، لغت‌نامه‌ای عربی به فارسی و به شعر و شامل دویست بیت است و تا سال‌ها در مدارس ایران تدریس می‌شد. (رک. نخجوانی، ۱۳۳۶: ۲۱۸؛ مصاحب، ۱۳۸۷. ذیل: ابونصر فراهی) شیوه‌ی کتاب **نصاب الصبیان** یعنی تدریس موزون لغات، اصطلاحات و مفاهیم علوم متداول در روزگاران گذشته جدی گرفته شد و این شیوه به خاطر درآمیختن دانش با موسیقی شعر و سریع الحفظ بودن آن به سرعت در ایران و ممالک دیگر اسلامی شایع شد. در کتاب **وقایع گلکنده** لغات و اصطلاحات مختلف علوم عقلی، قرآن، حدیث و سایر دانش‌های اعصار گذشته در خلال گزارشی که نعمت‌خان عالی به شیوه‌ای طنزآمیز از رخدادهای محاصره‌ی قلعه به دست داده، در حجمی زیاد دیده می‌شود. نعمت‌خان در بخش مقدمه‌ی کتاب می‌گوید:

«به همه حال چون وظیفه‌ی وقایع نگاری ثبت جمیع احوال و ضبط تمامی اقوال و افعال است به قلم داده می‌شود. پوشیده نماند که احوال هر یک از سکنه‌ی اردوی معلی چه شیخ و چه شاب و چه اعلی و ادنی گاهی مقرون است به خوف و گاهی منسوب به رجاء؛ "ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى" مگر طفلان بی پروا و کودکان از بیم و امید مبراً که دامن خنده و بازگئی بر زده، به آستین استعنا و بی‌نیازی گرد ملال از چهره‌ی آمال می‌فشانند و قطعه‌های نصاب فرا گرفته به خاطر خرسند و آواز بلند در مکتب نشاط و دبستان انبساط می‌خوانند. آن‌چه به گوش رسیده به هوش هم می‌رسید.

#### قطعه فی بحر تقارب

فَعُولٌ فَعُولٌ فَعُولٌ فَعُولٌ  
مگر او کند رحم بر فوج شاه  
ندانم چه شد حصه‌ی این سپاه  
که سردار بگریخت از رزم‌گاه  
نقیب از برای قرار سپاه  
ولی گاه با اشک و گاهی به آه  
چه دیوار این قلعه بی‌اشتباه  
که از دود باروت گشته سیاه

سخن را بود در تقارب قبول  
اله است الله، رحمن خدای  
رحیم است و غفار آمرزگار  
تَعَلَّمْ بیاموز و اعلم بدان  
دلیل است هادی تو گو ره‌نمای  
تکلم سخن گوی و قل حرف زن  
امینو متین محکم و استوار  
سما و فلک چیست نه آسمان

پر از مرده زیر و زبر در سه ماه  
 کشیف و عَفِن از هجوم سپاه  
 به فعل آمد این جا و عید اله  
 نصیب کسی کو جدا شد ز شاه  
 همه زخم خورده است در جنگ‌گاه  
 همه شد ز آسیب گوله تباہ

بود ارض و غربا زمین آن که شد  
 محل و مکان و معان است جای  
 سقر دوزخ و نار آتش ولی  
 چو جنت بهشت آخرت آن سرای  
 فَخَذْران عقب پاشنه رِجل پای  
 ریه شُش قفا حیره و وجه روی

از این نمونه نظیره‌سازی‌های مشابه با **نصاب‌الصبيان** فراهی در سرتاسر گزارش نعمت‌خان‌عالی به فراوانی می‌توان دید که در تمام آن‌ها ضمن تمسخر دشمن و اغراق در شجاعت سپاهیان اورنگ‌زیب، به شیوه‌ای طنزآمیز نیم‌نگاهی هم به وقایع تاریخی دارد. از دیگر خصوصیات ساختاری کتاب **گزارش وقایع گلکنده**، تمثیل فراوان به عبارات و آیات قرآنی است. همان‌طور که در تصویر نسخه‌ی مجلس دیده می‌شود (رک. پیوست ۱) تحریر آیات قرآن در متن کتاب با رنگ قرمز و به صورتی برجسته‌تر از متن و غالباً با خط نسخ به جهت امتیاز آیات از عبارات فارسی صورت گرفته است. کثرت کاربرد آیات در متن گزارش نعمت‌خان‌عالی شیرازی به حدی است که تقریباً هر صفحه از این کتاب به طور متوسط بیش از پنج بار ارجاعات قرآنی دارد. این موضوع را در بخش ملاحظات ادبی بیش‌تر مورد توجه قرار خواهیم داد.

توجه به شعر سخنوران بزرگ زبان فارسی؛ فردوسی، حافظ، سعدی و مولانا در خلال گزارش نعمت‌خان به روشنی مشهود است. اولین قطعه‌ی شعری که در قالب قصیده و پس از مقدمه‌ی متکلفانه‌ی این گزارش به چشم می‌آید تتبع از غزل معروف حافظ است که گفت:

نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید  
 (حافظ، ۸۱: ۱۳۸۱)

بیا که رایت منصور پادشاه رسید

نعمت‌خان‌عالی سروده است:

نوای عیش و طرب تابه‌مهر و ماه رسید  
 ز بس که نعره‌ی شاباش و واه واه رسید  
 گذشت باز از آن هم به قاه قاه رسید  
 (نسخه‌ی مجلس: ۶۲)

نوید فتح و ظفر چون به پادشاه رسید  
 ز صدمه گوش ملایک بر آسمان کرشد  
 شکفتگی ز تبسم به خنده منجر شد

اغلب ابیاتی که در بحر متقارب در گزارش نعمت‌خان دیده می‌شود به پیروی از سبک فردوسی است؛ حتی ابیاتی که به شیوه‌ی نصاب سروده شده رنگ و بویی حماسی دارند. از آن‌جا که سعی نعمت‌خان در پرورش معانی و مضامین حماسی متناسب با فضای جنگ و محاصره‌ی قلعه‌ی گلکنده خود به خود بار حماسی متن را بالا برده. روی کرد او به سبک فردوسی نیز امری توجیه شدنی است.

در مواضع دیگر نیز توجه به شعر مولانا (گفت آن یک ریش بین، جنگی بخواست) (همان: ۸۴) یا سعدی (ما هم چنان در اول وصف تو مانده‌ایم) (همان: ۷۶) از نفوذ شیوه‌ی سخن آن بزرگان در طرز شاعران موسوم به سبک هندی یا اصفهانی حکایت دارد. یکی دیگر از هنرنامه‌ی‌های نعمت‌خان در **گزارش وقایع گلکنده**، به کار بردن ابیاتی نغز و مناسب حال در خلال نثر است. به نظر می‌رسد بیش‌تر تک بیت‌ها و تک مصرع‌های که در متن گزارش دیده می‌شود از نویسندگان باشد که برای تلطیف فضای گزارش و ترصیع کلام بدان‌ها تمسک جسته است. تعدادی از این ابیات در زیر می‌آید:

«بس که از برخورد مردم عکس مطلب دیده‌ام/ می‌رمم از آب و از آئینه پنهان می‌شوم؛» (نسخه‌ی مجلس: ۸) «صبحی با صفا گشته هم آغوش/ خجل از روی او صبح بناگوش/ چنان در روشنی گردیده کامل/ که می‌زد خنده بر آئینه دل» (همان: ۱)؛ «که را یارا که بگذارد قدم پیش» (همان: ۲۱)؛ «چین بر جبین ز جنبش هر خس نمی‌زنند/ در یادلان چو آب گهر آرمیده‌اند» (همان: ۶۰)

## ۲-۴-۲- ملاحظات زبانی:

نویسندگان این دوره از زبان به عنوان ابزاری برای فضل‌فروشی و تفاخر استفاده می‌کردند و در نثرشان، دیگر خبری از آن فخامت و استواری زبان فارسی قبل از حمله‌ی مغول نبود. در **وقایع گلکنده** سعی نویسندگان بیش‌تر بر این بوده که با آوردن مترادفات و تصنع در نگارش و آمیختن نظم با نثر فضیلت‌نمایی کنند. نثر نعمت‌خان تابعی از نثر صفوی است که «تقریباً بی‌ارزش است. زبان عامیانه است و اگر نویسندگان این دوره] بخواهند ادبی بنویسند متصنع و متکلف و بی‌مزه می‌نویسند.» (شمیسا، ۲۱۳: ۱۳۸۶)

شلختگی و بی‌بند و باری زبان در نثر دوره‌ی صفویه در ایران امری روشن است تا چه رسد به نویسندگانی که با واسطه و بدون بهره‌گیری مستقیم از آبخور اصلی زبان سعی در صنعت پردازی ادبی داشته باشند. نعمت‌خان عالی هرچند در نثر نویسی سعی در پهلوی

زدن به بزرگان ادبیات فارسی نظیر سعدی و عظاملک جوینی دارد، نمی‌تواند از پس تزامم ترکیبات بارد و ضعف تألیف‌های متداول آن عصر خلاص شود. برای نمونه جمع‌های مکسری که با کلمات غیر عربی می‌سازد بسیار مضحک است. در بخشی از گزارش آمده است:

«به بهانه‌ی توپ انداختن، به پناه عرابه‌های توپ خود را کشید و آن‌جا کمال جگرداری به کار برده توپ‌چی را دل می‌داد به فحوای این مصراع: "خالی کن و پر کن که همین می‌ماند" باری آن قدر برگفت که به سوق کلامش "اتوپ" را از "گوالیل" معظمه و "بواریت" مؤزّنه خالی کردند.» (نسخه‌ی مجلس: ۱۶)

گاه واژه‌های در خلال این گزارش دیده می‌شود که در نثر پیش از نعمت‌خان چندان مورد توجه نبوده و نمونه‌ی کاربرد ادبی ندارند. کلماتی نظیر؛ گوّله (به جای گلوله)، مورچال (گودالی که در زیر قلعه حفر کنند)، چوکی (قراول‌خانه)، مانیا (نوعی بیماری شبیه صرع)، انداز (عزم و اراده) و واژه‌های غریب دیگری که اغلب در متن قصاید "نصابی" آن‌ها رامعنا کرده است. این واژه‌ها و غرابت آن‌ها به این دلیل است که بسیاری از آن‌ها ترکی مغولی، هندی و عربی هستند.

از دیگر ویژگی‌های سبکی این اثر می‌توان به استفاده‌ی فراوان از لغات و عبارات عربی در متن گزارش اشاره کرد: «یقین از آن‌جا که خاطر ملکوت ناظر و طبع تقدس مظاهر متوجه بر مرضیات الهی است، مجاری احوال بندگان مطابق نصوص قرآن مجید و موافق فحوای آیات فرقان حمید معمول به قوت و قدرت پادشاهی اکثر تأویلات و تمثیلات آیات متشابهات در عهد خجسته مهد از قوه به فعل رسید و اغلب محکّمات به توجیّهات مأول از تفسیرات گردید.» (مجلس: ۷۹)

#### ۲-۴-۳- ملاحظات ادبی:

#### ۲-۴-۳-۱- آرایه‌های ادبی:

استفاده‌ی گسترده از آرایه‌های ادبی اعم از لفظی و معنوی از گزارش وقایع گلکنده کتابی ساخته که بیش‌تر به یک جُنک مغشوش و درهم و برهم از صنایع شبیه است تا گزارشی از یک واقعه‌ی تاریخی. آرایه‌های نظیر درج، ترجمه، تمثیل، سجع، جناس، طرد و عکس، تضاد، تلمیح، استعاره، کنایه و تشبیه بیش از سایر صنایع لفظی و معنوی در نثر کتاب نعمت‌خان دیده می‌شود. نمونه‌های این صنایع در عبارات زیر مشهود است:

«کودکان لشکر ظفر انتصاب مشغول به تکرار نصاب» (نعمت‌خان‌عالی، مجلس: ۶)؛ «یکی گفت... به قاعده‌ی آخر الدواء الکی داغی بر جبینش نهیم باشد که برخیزد مدتی آن دردمند آلت تجربه بود تا تیز هوشی فتیله‌ی تفنگ بر پیشانی‌ش رسید زود هم‌چو ماشه سر از جا برداشت» (نعمت‌خان‌عالی، مجلس: ۱۸) «به عرض حضرت اقدس رسانید که گذشتن از آب خیلی آب می‌برد کسی عصای موسی ندارد که بر آن زده راهی وا کند یا سفینه‌ی نوح که از این لجه‌ی خون بگذرد.» (نعمت‌خان‌عالی، مجلس: ۲۰) «چه خوش بود که برآید به یک کرشمه دو کار، از خالی شدن خندق دل‌ها پر شد و از پر شدن رخنه دیوار رخنه‌ی کار خالی» (نعمت‌خان‌عالی، مجلس: ۳۲)

## ۲-۳-۴-۲- استشهداد به قرآن کریم:

نعمت‌خان در این کتاب از آیات قرآنی و احادیث به روش استشهداد و یا برای درج و حل به شکلی مفرط استفاده کرده است:

«از بیم توپ که مصداق "فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَّرَعْدٌ وَّوَبْقٌ" است داخل زهره‌ی محکبه به نص "يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ" باشد مقتضی معاف فرمودن اوست» (نعمت‌خان‌عالی، مجلس: ۷۴)

این پاره از گزارش نعمت‌خان اشاره دارد به آیه‌ی ۱۹ از سوره‌ی ۲ که می‌فرماید: «أُو كَصِيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَّرَعْدٌ وَّوَبْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ.» (قرآن، البقره/۱۹)

«داعی بلا به موجب «اذا دعيتم فادخلوا» لمحہ برخوان الوان مصیبت و مایده‌ی بی‌فایده‌ی محنت حاضر شدند و به محض نمک چشی از جان، شیر شدند و به حکم «فاذا طعمتم فانتشروا» از هم پاشیدند، شیلان چی اجل به هر یک صلا زنان که «ذَقَانِكَ اَنْتَ العزیز الکریم» آب‌دار تیغ همه را ندا کنان که «و سقوا ماء حمیما» از حق نباید گذشت ضیافت به سامانی بود و طعام بر سرانجامی» (نسخه‌ی مجلس: ۴۲)

در این پاره نیز به آیات کریمه‌ی زیر اشارت مستقیم دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاطِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَا أَنْ تُنْكَحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ



از موارد به هجو و هزل منتهی می‌شود و استفاده از حکایات و تمثیلات گوناگون در روند شرح وقایع برای آن ابزاری جدی است. یکی از قابل توجه‌ترین بخش‌های گزارش **وقایع گلکنده** قصیده‌ی شهرآشوب است:

در این ملک خراب امروز کس را نیست سامانی  
چو گنج افتاده‌اند اهل هنر در گنج ویرانی  
به سرحدی رسیده خلق را افراط ناداری  
که معنی هم ندارد این زمان حرف سخن‌دانی  
سپاهی هم به میدان قناعت می‌کند جولان  
ز شمشیر و سپر دارد دم آبی لب نانی  
منجم را نشد غیر از فلاکت از فلک حاصل  
ز ضعف جوع بیند قرص مه را گرده‌ی نانی  
ز بس عطار مشتاق است قوت لایموتی را  
به چشمش آشونان آید چو بنویسند آشنانی  
ز فکر مفلسی رمال از بس ریش خود کنده  
نموده باد و دستی لحيه‌اش را شکل لحيانی  
نباشد آن قدر سرمایه هم جراح مسکین را  
که بر زخم دل خود سرنگون سازد نمک‌دانی  
چو طفل نی‌سوار از بهر روزی می‌دود کاتب  
ز کلک خود کمیتی دارد و از صفحه می‌دانی  
محاسب سال را بنوشت ماه روزه در دفتر  
برای این که معلومش نشد شوال و شعبانی  
ز حیرت گفت قاری من کلو می‌خوانده‌ام یارب  
نخواندم هیچ گه لاتا کلو در هیچ قرآنی  
شده خیاط هم‌چون سوزنی از تنگ چشمی‌ها  
همیشه چشم دوزد دامنش بر جیب احسانی  
شود صباغ از رنگی به رنگی هر دم از خجلت  
که نعمت‌های الوان رفت و محتاجم به یک نانی

نمانده پیش شماعی بهای رشته‌ی شمعی  
مگر از عشق‌بازان وام گیرد رشته‌ی جانی  
ندارد باغبان مشت‌زری، چون غنچه دل‌تنگ است  
بهرنگ گل از این غم چاک زد هر دم گریبانی  
رسد با جان‌سپاری کار تنبولی ز بی‌برگی  
برای سرخ‌رویی چون ندارد بی‌ره‌ی پانی  
تنور آس، به خاکستر نشسته نانا زین غم  
که از افتادن نان بر سرش افتاد تاوانی  
در این لشکر بمانم یا روم با خویش می‌سنجد  
نمانده در دکان بقال را جز سنگ میزانی  
نه نقدی هست نه جنسی و نی دلال و بازاری  
برای خودفروشی وا کند هر روز دکانی  
چو کوبد آهن سرد از تلاش رزق آهن‌گر  
به غیر از سخت جان خود ندارد پتک‌سندانی  
به روی درهم کوله چنین زد سکه‌ضرابی  
که این نقد روان را نیست جز جان جنس‌ارزانی  
نبیند روی زر حجام اگر آینه بفروشد  
که یک مو در بساطش نیست غیر از چشم‌حیرانی  
دلی پُر داشت حمامی زدست کیسه خالی  
به سنگی پا زد و گفت از کجا آرم چنین جانی  
غم‌روزی به حلاج آتش و پنبه است می‌گوید  
به این نسبت بود بردار رفتن کار آسانی  
زخامی می‌پزد سودا، نمی‌یابد چو باورچی  
برنج و روغن و سیر و پیاز و مرغ و حلوانی  
بگفتا کاغذی کو کاغذی رنگین و پرگاری  
که پندارم کماچی سرخ از خشخاش افشانی  
گدا در کشتی کشکول آبی هم نمی‌یابد



ولی در ریختن‌ها آبرویش کرده طوفانی  
صدای ماتمی از خانه‌ای برخاست پرسیدم  
چه شد، گفتند: در این خانه وارد گشت مهمانی  
ز جایی غلغل شادی شنیدن گفت هم‌سایه  
که شخصی دید در شب واقعه پر آرد انبانی  
یکی گفتا خداوندا به حق نوح پیغمبر  
برای قلعه‌ی گلکنده کن ایجاد طوفانی  
یکی گفت ای سبب ساز کریم از غربت یوسف  
به من بنمای خود در خواب امشب گنج پنهانی  
یکی می‌گفت ای رحمان به حق موسی عمران  
ببار از آسمان تر انگبین یا مرغ بریانی  
یکی گفت ای خداوند کریم از حرمت عیسی  
برای من فرست امروز هم‌چون مائده خوانی  
یکی می‌گفت بهر قرض دادن خلق کن یارب  
یهودی، هندویی، نصرانی و گبر و مسلمانی  
یکی می‌گفت در گریه به حق ارجعی یارب  
کرم فرما و بفرست آن ملک را پیش انسانی  
به اهل حرف باید گفت اهل حرفه بسیار است  
به خاموشی ادا کردم سخن را نیست پایانی  
(مجلس: ۶)

## ۲-۴-۳-۶- توجه به علوم:

اطلاع مؤلفان این دوره از علوم و فنون مرسوم و متداول زمان از قبیل عروض، ریاضی، فلسفه، کلام، نجوم، شطرنج و طب باعث می‌شد که در خلال نگارش، تحت تأثیر این علوم مطالبی را از روی تکلف و تصنع، بسازند. نعمت‌خان نیز جزو این گروه است: «در آن اثناء که شطرنجی قضا بساط هیجا گسترده بازندگان مهره‌ی احتیاط منصوبه‌ی مراجعت چنانچه مقرر شده بود باختند.» (مجلس: ۲۶) «غافل از این‌که نحوست تحت‌الشعاع شعله‌ی نقب را به نظر آورده به محض سعادت اختر به خانه خطر در نمی‌آیند که مبادا

حیلولهی ارض که حجاب خورشید آتش خواهد شد، ماه‌پیکر ایشان را به خسوف مرگ از نور حیات عاری سازد» (مجلس: ۲۷) غیر از مواردی که در این جستار آمد، نکات قابل تأمل دیگری از حیث ادبی و زبانی در **گزارش وقایع گلکنده** دیده می‌شود که به خاطر رعایت حال، از ذکر آن‌ها اجتناب می‌کنیم و خواننده را به اصل نسخه‌ها ارجاع می‌دهیم.

### ۳- نتیجه‌گیری

**گزارش وقایع گلکنده** ظاهراً کتابی است که به قصد شرح یک رخداد نظامی یعنی محاصره‌ی قلعه‌ی حیدرآباد گلکنده و ویران کردن آن به دست اورنگ‌زیب برای از میان برداشتن سلطان ابوالحسن قطب‌شاه (۱۰۸۳-۱۰۹۸ ه.ق) آخرین بازمانده‌ی سلسله‌ی قطب شاهیان دکن نوشته شده است<sup>(۴)</sup> و نعمت‌خان عالی شیرازی که وقایع‌نگار دربار اورنگ‌زیب بوده بر اساس وظیفه، کوشیده است تا به تقلید از وقایع‌نگاران و مورخان بزرگ فرهنگ فارسی، نگارش این گزارش را به سامان ببرد؛ اما حقیقت این است که این کتاب از هدف اصلی خود که وقایع‌نگاری تاریخی است دور افتاده و به شیوه‌ی نثر سست و مبتذل سده‌ی یازدهم و دوازدهم هجری تصنع و تکلف ناموزون و غریب را بر اخبار و اعلام حقایق ترجیح داده است. نعمت‌خان عالی در نثر ضعیف و لنگ است اما در نظم قوتی قابل توجه دارد. این را از تحلیل سبک شعر وی در **گزارش وقایع گلکنده** به نیکی می‌توان دریافت. آن چه جالب توجه است از خیال‌پردازی‌های طرز متداول هندی در اشعار او خصوصاً آن جا که قصد قصیده‌پردازی می‌کند خبری نیست. انسجام و قوت الفاظ در شعر نعمت‌خان فقط به انسجام و قوت معانی او در حوزه‌ی شعر منجر شده است. مثنوی‌ها و قصایدی که به سبک فردوسی، مولانا و سعدی سروده گواه خوبی بر آگاهی او از ظرافت‌های نظم فارسی است.

### پانوشته‌ها

۱- «بُکاول، چشنده‌ی غذا، مأمور تدارکات لشکر و صاحب منصبی نظامی. ضبط‌های دیگر این واژه عبارت است از: بُکاول / بوکاول / بوکاوول / بوکال / بوقال / بوقاول / بقاول / بوقمق / بیوک اول / پکاول / پکاول بیگی. احتمال می‌رود که چنین اصطلاحی پس از دوران صفویه

از میان رفته باشد، زیرا در منابع مهم پس از این دوره نشانی از این واژه نمی‌یابیم هر چند عنوان «بکاول بیگی» در لغت‌نامه‌ی کتاب ابوالحسن غفاری کاشانی با عنوان **گلشن مراد** (وقایع و اخبار سال‌های ۱۱۶۷-۱۲۱۰) به کار رفته است.» (برگ‌نیسی، ۱۳۹۱/۲/۱۴)

۲- «قلعه‌ی گلکنده در زمان سلسله کاکاتیا در سال ۵۳۸ هـ ق تاسیس و در زمان قطب شاهیان به عنوان پایتخت برگزیده شد دارای بناها، برج‌ها و استحکامات زیبا و هشت دروازه می‌باشد. بقایای این قلعه هنوز هم بر فراز تپه‌ای واقع در منطقه گلکنده در جنوب غربی حیدرآباد، مهم‌ترین مرکز توریستی شهر به شمار می‌رود. قلعه‌ی گلکنده با اصول مهندسی برگرفته از سبک معماری ایرانی- هندی احداث گردیده و دارای جای‌گاه‌های حفاظتی و دیده‌بانی در بالای دیوار بلند این قلعه می‌باشد. قلعه گلکنده دارای چند دروازه اصلی و راه‌های ورودی و خروجی مخفی متعددی است که هر چند تخریب گردیده ولی هنوز جذابیت‌های خود را برای گردش‌گران از دست نداده است.» (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۱/۲/۱۴)

۳- قمرالدین خان صدیقی یا میرقمرالدین علی‌خان ملقب به نواب نظام‌الملک، آصف‌جاه و چین قلیچ‌خان معروف به آصف‌جاه‌اول و نظام‌الملک (۱۱۶۱-۱۰۸۲ هـ ق/ ۲۰ اوت ۱۶۷۱- ۱ ژون ۱۷۴۸ م) از امرای دربار اورنگ‌زیب گورکانی و بنیان‌گذار سلسله‌ی نظام حیدرآباد در دکن هند بود. او در سال ۱۱۳۶ هـ ق/ ۱۷۲۴ م/ ۱۱۰۳ شمسی با استفاده از ضعف حکومت مرکزی، منطقه تحت سلطه خود و از جمله حیدرآباد را مستقل اعلام کرد و سلسله نظام حیدرآباد را پایه‌گذاری کرد که تا کمی پس از استقلال هند در سال ۱۹۴۸ م/ ۱۳۲۷ شمسی پا برجا ماند. او سیاست‌مدار و جنگ‌جوی دلیر بود و شعر فارسی را خوش می‌سرود. (رک. همان)

۴- منظور از بوالحسن در این متن سلطان ابوالحسن قطب شاه (۱۰۸۳-۱۰۹۸) آخرین بازمانده‌ی سلسله‌ی قطب شاهیان دکن و کسی است که در سال ۱۰۹۸ در مقابل سپاه اورنگ‌زیب مقاومت کرد و اساساً کتاب **وقایع گلکنده** شرح نبرد اورنگ‌زیب با اوست.

**پیوست‌ها:**

پیوست ۱. تصویر صفحه‌ای از نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی به شماره‌ی

دستیابی ۱۳۹۵۸



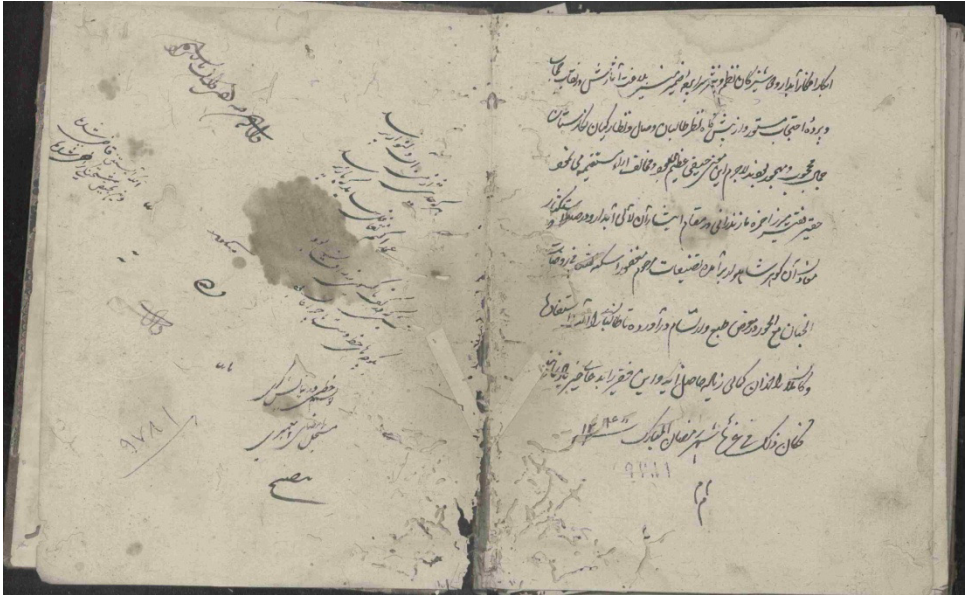
Arch

پیوست ۲. تصویر صفحه‌ای از نسخه‌ی کتابخانه‌ی دانش‌گاه تهران به شماره‌ی دست‌یابی

۷۷۷۱

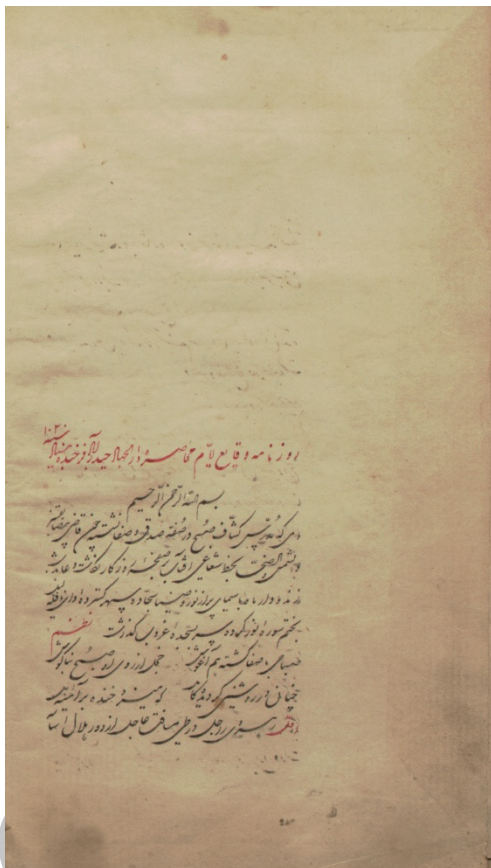


پیوست ۳. تصویر صفحه‌ی آخر نسخه‌ی مضبوط در دانشگاه تهران به شماره‌ی دست‌یابی ۹۷۸۱.





پیوست ۴. تصویر صفحه‌ی آغاز نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی ایران.



### منابع

- ۱- قرآن مجید. (۱۳۷۷). ترجمه‌ی مهدی الهی‌قمشه‌ای، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲- انوشه، حسن. (۱۳۸۰). **دانش‌نامه‌ی ادب فارسی**، چاپ اول، ج ۴، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- برگ نیسی، نادیا. (۱۳۹۲/۲/۱۴). «بکاول»، منبع:  
<http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=1577>

۴- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۱). *دیوان حافظ براساس نسخه‌ی قدسی*. تهران: احیای کتاب.

۵- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). *سبک‌شناسی نثر*، چاپ دهم. تهران: میترا.

۶- صادقی علوی، محمود. (۱۳۸۸). «تاریخ نگاری در دکن بر اساس نسخه خطی سلطان محمد قطب‌شاه»، در *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۳۲، اردی‌بهشت ۱۳۸۸، صص ۹۴-۹۷.

۷- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۵، چاپ ۶، تهران: فردوس.

۸- نخجوانی، محمد. (۱۳۳۶). *نصاب الصبیان در یغما*، شماره ۱۰۹، مرداد ۱۳۳۶، صص ۲۱۸-۲۲۰.

۹- واله داغستانی، علیقلی. (۱۳۸۴). *تذکره ریاض الشعرا*، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. ج ۳، چاپ دوم، تهران: اساطیر.

۱۰- \_\_\_\_\_ (بی‌تا). *وقایع گلکنده [نسخه‌ی خطی مضبوط در کتاب‌خانه‌ی مجلس شورای اسلامی]*، شماره دست‌یابی: ۱۳۹۵۸.

۱۱- ویکی‌پدیا. (۱۳۹۲/۲/۱۴). «گلکنده» منبع:

<http://fa.wikipedia.org/wiki/گلکنده>

Archive